

## مطالبی برای مطالعه شرکت‌کنندگان

### ۱

#### دوران جوانی

لطفاً متن زیر را در گروه بزرگ بخوانید. شاید لازم باشد بعد از پاراگراف اول مکث کنید و دربارهٔ سوالات مطرح شده مختصراً بحث نمایید و سپس به خواندن ادامه داده پاراگراف‌های بعدی را مورد مطالعه قرار دهید.

هر نسل جوان به خصوصیات ویژه‌ای متمایز است و زندگی‌اش تحت تأثیر قوای خاصی شکل می‌گیرد. از گروه شما در این جلسه تقاضا می‌شود که دربارهٔ این موضوع حیاتی تفکر و تأمل کنید. نقش نسل خود را در اجتماع چگونه می‌بینید؟ چه هدف متعالی و پراجی اقدامات فردی و جمعی شما را شکل می‌دهد؟

کنفرانس‌های جوانان، افراد جوان از سنین مختلف و با تجارب گوناگون را گرد هم می‌آورد. تعداد زیادی از این عزیزان زیر بیست‌سالگی هستند که در محیط مدرسه، خانواده، و جامعه برای وظایف دوران بلوغ آماده می‌شوند. برخی دیگر جوانان مسن‌تری هستند که ممکن است دانشجوی دانشگاه یا شاغل، متأهل و یا در جریان تشکیل خانواده باشند. برای بعضی، شرایط اجتماعی احتمالاً وظایف مربوط به سنین بسیار بالاتری را بر آنان تحمیل نموده و تأمین معاش خانواده بر عهده آنان است. جوامعی که این جوانان به آن تعلق دارند نیز به همین میزان متنوع است و دامنهٔ این تنوع دهکده‌های کوچک جهان تا محله‌های شهرهای بزرگ با میلیون‌ها نفر سکنه را در بر می‌گیرد.

جوانان، قطع نظر از اوضاع اجتماعی‌شان، خواهان رشد روحانی و عقلانی هستند و مشتاقند تا "خدمتی ... به مقدرات عالم انسانی" نمایند. جوانان دارای قوای شگفت‌انگیز بسیاری هستند و مسئله بسیار مهم به جریان در آوردن این قوا در مجاری صحیح است چه که اگر این قوا در جهتی نامطلوب هدایت شود و یا مورد سوء استفادهٔ دیگران قرار گیرد می‌تواند مصائب اجتماعی فراوانی را به بار آورد. در بین جوانان جهان کسانی هستند که زندگانی‌شان از بینش حضرت بهاء‌الله برای عالم انسانی، یعنی جهانی مرفه از نظر مادی و معنوی، امید و تحرک می‌یابد. مشارکت در برنامه‌های مؤسسهٔ آموزشی آنان را قادر می‌سازد که خود را رهروان مسیر خدمت مشاهده کنند. در طی این مسیر، توانمندی خود را برای به کارگیری تعالیم حضرت بهاء‌الله در حیات اجتماع افزایش می‌دهند. درک می‌کنند که به فرمودهٔ حضرت عبدالبهاء هیچ

عمل نیکی در جهان بالاتر از "خدمت به عالم انسانی"<sup>۲</sup> و "همّتی اعظم"<sup>۳</sup> از این نیست که "کمر همّت را بر خدمت جمهور اهالی بریندند."<sup>۴</sup>

خدمت خالصانه به اجتماع، هم امکان بلوغ شخصی را فراهم می‌سازد و هم توان‌مندی کمک به پیشرفت اجتماع را افزایش می‌دهد. حضرت عبدالبهاء تأکید می‌فرمایند که "خدمت بندگان الهی ... عبودیت درگاه احدیتست."<sup>۵</sup> خطاب به کسانی که به خدمت قیام کرده‌اند می‌فرمایند: "به جان و دل بکوشید تا انوار و آثار بهاءالله از اعمال و رفتار و گفتار تان ظاهر شود ... تا هر یک شجره مبارکه‌ئی گردید و اثمار باقیه به بار آرید."<sup>۶</sup> با معطوف نمودن استعدادها و توانایی‌های خود در جهت پیشبرد و ترقی اجتماع، این جوانان "سبب آسایش عالم آفرینش"<sup>۷</sup> می‌شوند و با دمیدن روح سخاوت و بخشش در فعالیت‌های روزانه خود و با ارائه اقدامات داوطلبانه برای رفاه دیگران، امدادات و تأییدات الهیه را به خود جلب می‌نمایند.

بنا بر این ضروری است که تعداد فزاینده‌ای از کسانی که در عنفوان جوانی هستند "خود را برای یک زندگی سراسر خدمت"<sup>۸</sup> به جامعه آماده نمایند. طبیعتاً مسائل بسیاری وقت و نیروی جوانان را به خود مشغول می‌دارد از جمله: تحصیل، کار، تفریح، حیات روحانی و سلامت جسمانی. اما آنان می‌آموزند تا از رویکردی جزءنگر که از دیدن ارتباط بین جنبه‌های مختلف زندگی عاجز است بپرهیزند. داشتن چشم‌اندازی از هم‌گسسته از زندگی، افراد را گرفتار گزینه‌های غلطی می‌سازد که در پرسش‌هایی از این قبیل مندمج است: آیا باید تحصیل کرد یا خدمت کرد؟ آیا باید جویای پیشرفت مادی بود یا به رفاه دیگران کمک نمود؟ آیا باید به دنبال کار رفت یا زندگی خود را وقف خدمت نمود؟ قصور در نگرستن به زندگی به صورت یک کلیت منسجم، اغلب موجب نگرانی و سردرگمی می‌شود. جوانان از طریق خدمت می‌توانند بیاموزند که زندگانی خود را به نحوی اداره نمایند که جنبه‌های مختلف آن مکمل یکدیگر باشد.

با اطمینان از اینکه تأییدات لاریبیه الهیه شامل حال کسانی خواهد شد که به خدمت قیام نمایند، جوانان به محیط‌هایی چون خانواده، گروه هم‌سالان، مدرسه، محل کار، رسانه‌ها و جامعه که در آنها با دیگران سروکار دارند می‌نگرند و نیروهای اجتماعی عامل در هر یک را شناسایی می‌کنند. بعضی از این نیروها، مانند عشق به حقیقت، عطش برای کسب دانش و کشش به زیبایی، آنان را به پیشرفت در مسیر خدمت کارایی. نیروهای دیگر، مثل مادی‌گرایی و خودخواهی، نیروهایی مخرب هستند و با منحرف ساختن دید جوانان نسبت به جهان مانع رشد فردی و جمعی آنان می‌گردند. با پیشروی در مجهودات خود برای کمک به بنای جهانی بهتر، توان‌مندی آنان در بهره‌گیری از نیروهای روحانی و اجتماعی‌ای که آنان را سازندگان تمدن می‌نماید چندین برابر افزایش می‌یابد.

بعد از بحث مختصری در باره مطالب هر پاراگراف، به گروه‌های کوچکی تقسیم شوید و به بررسی

سؤالات زیر بپردازید:

الف. در باره جوامع خود فکر کنید و محیط‌هایی را که در آن با دیگران به عنوان یک جوان در تعامل هستید مشخص نمایید. چه نیروهای منفی یا مثبتی در این محیط‌ها در کارند؟ آیا می‌توانید نحوه‌های مختلفی را که این فضاها بر شما اثر می‌گذارند توصیف کنید؟

ب. متن فوق بر تأثیر مثبتی که خدمت بر رشد روحانی و عقلانی و بر توان‌مندی نسل جوان برای کمک به پیشرفت اجتماعی دارد تأکید بسیار کرده است. این مفهوم مهم را که متضمن هدف اخلاقی دوگانه‌ای است مورد بحث قرار دهید و بیشتر از مثال‌هایی از جوامع خود کمک بگیرید.

ج. در این متن، با تأکید بر اهمیت تلاش جوانان برای داشتن یک زندگی منسجم، به سؤالاتی مانند اینکه آیا درس بخوانیم یا خدمت کنیم، وضع خود را بهبود بخشیم یا به رفاه دیگران کمک کنیم، به عنوان "گزینه‌های غلط" اشاره شده است. این گزینه‌ها از چه نظر غلط هستند و چگونه می‌توانند یک شخص جوان را از تحرک بازدارند؟ گزینه‌های غلط دیگری را که باید از آنها احتراز شود مثال بزنند.

## ۲

## سنین اولیّه بلوغ

لطفاً متن زیر را در گروه بزرگ بخوانید. شاید مایل باشید قبل از ادامه مطالعه و بررسی بقیه این سند، سؤالی را که در پاراگراف اول مطرح شده به اختصار مورد بحث قرار دهید.

در اولین نشست کنفرانس، چند مفهوم مهم در ارتباط با جوان بودن را مورد بحث قرار دادید. یکی از مطالبی که بررسی نمودید تأثیر نیروهای اجتماعی سازنده و مخرب بر جوانان بود. حال از شما دعوت می‌شود تا در باره نوجوانان فکر کنید که سنین ویژه اولیّه بلوغ را می‌گذرانند و نویددهنده "منبعی عظیم از قابلیت برای تقلیب اجتماع ... و آماده بهره‌برداری"<sup>۹</sup> هستند. ویژگی این دوران سنی در چیست؟

نوجوانان یعنی افراد بین ۱۲ تا ۱۵ سالگی که دوران انتقال از کودکی به جوانی را طی می‌کنند، تغییرات سریع جسمی، عقلانی و عاطفی را تجربه می‌نمایند. قوای روحانی‌شان توسعه می‌یابد. با نیل به سطح تازه‌ای از آگاهی علاقه‌ای متزاید نسبت به مسائل عمیق در آنان ایجاد می‌شود و استعدادها و توانایی‌هایشان وسعت می‌یابد. به فرموده حضرت عبدالبهاء "قوای مشاهده وسیع و قوی می‌گردد"<sup>۱۰</sup> (ترجمه)، و توان‌مندی‌های عقلانی آنان "پرورش یافته و بیدار می‌شود"<sup>۱۱</sup> (ترجمه) در طی این دوران کوتاه و حسّاس سه‌ساله، عقایدی در باره فرد و اجتماع در ذهن‌شان به وجود می‌آید که احتمالاً بقیه زندگی آنان را شکل می‌دهد. اما شادی حاصله از دستیابی به این قوای تازه غالباً با احساس نگرانی، ناراحتی و تردید همراه است که ممکن است موجب ایجاد تضاد در رفتارشان شود. بنا بر این در این دوران است که توانایی‌های تازه آنان باید در جهت خدمت خالصانه به عالم انسانی هدایت گردد. این امر مستلزم آن است که از آموزش و تربیت صحیح برخوردار شوند و گرنه "خصایل الهیّه ذاتیه‌اش در چنگ نفس اماره بدطینت زایل گردد."<sup>۱۲</sup> (ترجمه)

برداشت بعضی از مردم از دوران نوجوانی برداشت مثبتی نیست. مثلاً عقاید رایج، این سن را دورانی پر از بحران و سردرگمی تلقی می‌نمایند. این گونه افکار شرایطی به وجود می‌آورد که موجب شیوع الگوهای نامطلوب رفتار می‌گردد. برداشت صحیح از این دوران سنی آنست که نوجوانان نورستگانی خالص با حسّی شدید از "عدالت‌خواهی، اشتیاق به آموختن در باره عالم و آرزوی کمک به ساختن دنیایی بهتر"<sup>۱۳</sup> دانسته شوند. خصیصه‌های نامناسبی که نوجوانان گاهی از خود نشان می‌دهند مطمئناً جزء ذاتی این مرحله از حیات انسانی نیست.

بنا بر این مسئله مهمی که باید به آن توجه شود این است که منشأ الگوهای رفتار نامطلوب که گاهی در بعضی از نوجوانان مشاهده می‌گردد چیست؟ دو عامل در این مورد درخور دقت و تأمل خاص است. اول آنکه تأثیر نیروهای اجتماعی منفی بر بسیاری از جوامع، منجر به گسترش مصائب اجتماعی گوناگونی شده است که بر دید افراد جوان نسبت به خود و نسبت به جامعه تأثیری عظیم می‌گذارد. دوم آنکه نوجوانان شدیداً تحت تأثیر رفتار بزرگسالان قرار می‌گیرند. با وجود اینکه درک و بصیرت نوجوانان در این سن در باره بسیاری از مسائل عمیق در حال گسترش است، با این حال بعضی اوقات بزرگسالان اصرار دارند که با آنان مثل کودک رفتار کنند. به علاوه تفاوت در گفتار و کردار که برخی از بزرگسالان در بعضی موارد از خود نشان می‌دهند می‌تواند برای نسل جوان که در جستجوی موازینی برای شکل دادن زندگی خود هستند منشأ سردرگمی باشد.

تأکید بر تأثیر نیروهای اجتماعی منفی بر نوجوانان بدان معنا نیست که این نوباوگان اساساً ضعیف و آسیب پذیرند. آنان با کمک و یاری قادرند با این نیروها مقابله نمایند. می‌توانند قدرت‌های روحی و فکری کسب کنند که نه فقط آنان را قادر می‌سازد که از این چالش‌ها فراتر روند بلکه هم‌چنین آنان را وامی‌دارد که به ساختن یک اجتماع تازه کمک کنند. از این نظر بیت‌العدل اعظم رویکردهایی را توصیه می‌نمایند که "علاقه آنان را جلب می‌کند، توان‌مندی‌های آنان را برای تبلیغ و خدمت شکل می‌دهد، و آنان را به مشارکت در روابط اجتماعی متقابل با جوانان مسن‌تر تشویق می‌کند."<sup>۱۴</sup> (ترجمه) نوجوانان به محیطی نیاز دارند که صفات روحانی‌شان را پرورش دهد و الهام بخش اشتیاق‌شان به یادگیری و عمل هدف‌مند باشد. نقشی که جوانان مسن‌تر که تجارب دوران اولیّه بلوغ را بهتر درک می‌کنند، می‌توانند در ایجاد چنین جوئی ایفا نمایند بسیار مهم و حسّاس است. چون نوجوانان در رفتار خود اغلب از جوانان مسن‌تر سرمشق می‌گیرند، لذا از جوانان دعوت شده است که وظیفه مقدّس کمک به هم‌ردیفان جوان‌تر خود برای تقویت پایه‌های اخلاقی‌شان را بر عهده بگیرند.

در این رابطه جوانان بهائی و دوستان‌شان در بسیاری از جوامع، متعهد خدمت در مقام مشوقین برنامه توان‌دهی روحانی به نوجوانان می‌شوند. این برنامه "ابزار لازمه را در اختیار آنها قرار می‌دهد تا با نیروهایی که هویت واقعی آنها را در مقام موجوداتی شریف سلب می‌کند به مبارزه پردازند و در جهت پیشبرد سعادت همگان فعالیت نمایند."<sup>۱۵</sup> نوجوانان در بین گروهی شاد و دوستانه از هم‌سن‌ها که محیطی برای حمایت متقابل فراهم می‌سازد، متونی را مطالعه می‌کنند که مفاهیم بنیادین گوناگونی را ارائه می‌دهد. به آنان کمک می‌شود تا درک روحانی خود را قوی سازند، نیروهای شکل‌دهنده اجتماع را شناسایی نمایند، و قدرت بیان خود را تقویت کنند که این نیز به نوبه خود آنان را قادر می‌سازد که جهان اطراف خود را به

روشنی درک و توصیف نمایند. با اقدام به خدمت، با یکدیگر می‌آموزند که به نحوی محسوس به رفاه و سعادت جامعه کمک کنند.

مطالبی که در هر یک از متون مورد توجه قرار گرفته ساختارهای اخلاقی در حال شکل‌گیری در ذهن نوجوانان را تقویت می‌نماید و چشم‌اندازی امیدوارکننده از زندگی و اجتماع به آنان ارائه می‌دهد. مشوقین در حالی که به عنوان دوستان نوجوانان عمل می‌نمایند، آنان را در این فرایند حمایت و راهنمایی می‌کنند و مراقب‌اند که با آنها نه به عنوان کودک، بلکه به عنوان افرادی جوان و دارای استعدادهایی در حال رشد برای کمک به استقرار تمدنی جدید رفتار کنند. مشوقین در عین حال که شرایطی به وجود می‌آورند که الهام‌بخش خدمت خالصانه به جامعه است، هم‌چنین مواظب‌اند که مبادا ناآگاهانه فعالیت‌هایی که تسهیل می‌کنند در افراد تحت تصدی‌شان منبت یا خودخواهی ایجاد کند. تعامل آنان با والدین نوجوانان روح هم‌کاری به وجود می‌آورد و کمک می‌کند تا جو مثبتی که در گروه ایجاد شده به منازل و به تمامی جامعه گسترش داده شود.

اثر این برنامه بر مشوقین نیز به همان اندازه حائز اهمیت است. اعم از اینکه آنها قبلاً عضو گروه نوجوانان بوده‌اند یا نه، همگی تحت تأثیر قدرت این برنامه در شکل دادن به اهداف اخلاقی قرار می‌گیرند. هر چقدر مشوقین در رشد اخلاقی خود بیشتر بکوشند، تأثیر خدمت‌شان بر نسل جوان‌تر بیشتر خواهد شد. با وقوف بر مفاهیم موروثی اجتماع که بر ذهنیت آنها اثرگذار است، همواره بر تأثیر تعالیم حضرت بهاء‌الله بر افکار و اعمال خود نیز آگاهند. آنان هم‌چنین تلاش می‌کنند تا جوی در بین خودشان و در جوامع‌شان به وجود آورند که در آن بالاترین احساس شادمانی از "یاری رساندن به یکدیگر" در عروج "بر قلل خدمت در سبیل امر مبارکش" ۱۶ حاصل می‌گردد.

بعد از بحث مختصری در باره مطالب هر پاراگراف، به گروه‌های کوچک تقسیم شوید و به بررسی

سؤالات زیر بپردازید

الف. در این متن بیان شده است که نیروهای اجتماعی اثرگذار بر جوانان می‌توانند نفوذ حتی شدیدتری بر نوجوانان داشته باشند. با اندیشیدن به نوجوانان جامعه خود، توضیح دهید که آنان به چه نحو تحت تأثیر نیروهای مخرب قرار گرفته‌اند و چه الگوهای رفتاری را ایجاد می‌کنند.

ب. بعضی از شما از جوامعی می‌آید که اقلاً چند گروه نوجوانان در آنجا تشکیل شده و حتی احتمالاً شما به عنوان مشوق خدمت می‌کنید. شرح دهید چگونه نوجوانانی که در این برنامه

شرکت می‌کنند از نظر روحانی و عقلانی در حال پیشرفت هستند و چگونه یاد می‌گیرند که به پیشرفت خانواده‌ها و جوامع خود کمک کنند.

ج. هر یک از متون برنامه نوجوانان نسل جوان را یاری می‌دهد تا یک یا چند مفهوم بنیادین را بفهمند. مثلاً نسایم تأیید به آنان کمک می‌کند تا درک کنند که اگر برای پیشبرد خود و جوامع‌شان کوشش به خرج دهند تأییدات الهی شامل حال‌شان خواهد شد. مفاهیم مهم حد اقل سه کتاب دیگر این برنامه را مورد بحث قرار دهید. چگونه این متون بر نحوه‌ای که نوجوانان به خود و به جهان اطراف خود می‌نگرند اثر می‌گذارد؟

د. مطالب فوق بر رابطه متقابل بین خدمت به عنوان مشوق و رشد روحانی تأکید کرده است. حال در باره این نکته بحث کنید: خصایل روحانی و طرز برخورد شخصی که یک گروه نوجوانان را حمایت می‌کند و اینکه چگونه این خدمت به خود او از این نظر کمک می‌کند.

## ۳

**حمایت و مساعدت متقابل**

متن زیر را در گروه بزرگ بخوانید.

دو بیانیهٔ اولی که مطالعه کرده‌اید روشن می‌سازد که برای کمک به بهبود اجتماع مسئولیتی سنگین پیش روی نسل جوان کنونی قرار دارد. وظیفهٔ دیگری که بر عهدهٔ این نسل جوان می‌باشد ایجاد محیطی است که در آن اعضای جوان‌تر جامعه بتوانند قوای روحانی و عقلانی مورد نیاز را کسب کنند تا بتوانند سازندگان یک تمدن جدید شوند. بدون شک این وظایف بسیار عظیم است. برای مقابله با نیروهای اجتماعی قدرت‌مندی که آنان را به تضعیف قوا و انحراف مقصد تهدید می‌کند، جوانان می‌توانند به امدادات لاریبیهٔ الهیه متکی باشند. آنان هم‌چنین باید توانایی خود را برای ایجاد جوی از حمایت و مساعدت متقابل در بین خودشان و در جوامع‌شان افزایش دهند، جوی که در آن قدرت‌شان برای تقلب اجتماع چندین برابر می‌گردد.

در زیر مکالمه‌ای تخیلی بین چهار دوست صمیمی، دو پسر به نام‌های سامپا و سان‌جیو، و دو دختر به نام‌های کارولین و راین ارائه می‌گردد. این جوانان در اسپرینگ تاون، شهرکی با ۴۰۰۰ نفر جمعیت در حومهٔ یک شهر بزرگ زندگی می‌کنند. بسیاری از ساکنان اسپرینگ تاون بین سنین ۱۵ تا ۳۰ سالگی هستند. سامپا ۱۸ و راین ۱۹ ساله تازه دبیرستان را تمام کرده‌اند، در حالی که سان‌جیو و کارولین، هر دو ۲۱ ساله هستند و در یکی از دانشگاه‌های بزرگ این شهر تحصیل می‌کنند. به استثنای کارولین که اخیراً به آنها پیوسته است، بقیه سال‌هاست که یکدیگر را می‌شناسند. آنها با هم در مدرسهٔ ابتدایی و دبیرستان آن حومه درس خوانده و در طی سه سال گذشته به عنوان مشوقین نوجوانان خدمت کرده‌اند. در حال حاضر این چهار نفر چهار گروه را با حدود ۵۰ نوجوان در اسپرینگ تاون حمایت می‌نمایند. خدمت کردن با یکدیگر دوستی آنان را قوی‌تر کرده است و همیشه با ذوق و شوق در بارهٔ مساعی خود و پیشرفت جامعه‌شان صحبت می‌کنند. راین و سان‌جیو بهائی هستند.

\*\*\*

سامپا صحبت را چنین شروع می‌کند، "ما باید بیشتر در بارهٔ مفهوم حرکت در یک مسیر خدمت صحبت کنیم. می‌دانم که این مسئله در بارهٔ خدمتی است که یک نفر انجام می‌دهد، اما سؤال دیگر هم این است که این خدمت چگونه انجام می‌شود."



راین به سرعت جواب می‌دهد، "خوب، من این واقعیت را که ما با هم خدمت می‌کنیم دوست دارم، به تنهایی خدمت کردن مشکل است. من با بودن شما مردمان خوب در کنارم شهادت پیدا می‌کنم که به خدمت ادامه دهم."

کارولین اضافه می‌کند، "درست است، اما من فکر می‌کنم این واقعیت هم که ما با هم خدمت می‌کنیم به ما کمک می‌کند تا از الگوهای منفی رفتار دوری کنیم. من شخصاً از وقتی که شروع به خدمت با شما کردم، مجبور به تغییرات زیادی شده‌ام، تغییراتی که انجام آن به تنهایی برایم مشکل می‌بود."

سان‌جیو متفکرانه به کارولین لبخند می‌زند و می‌گوید، "به یاد این بیت العدل اعظم افتادم که می‌فرمایند مسیر خدمت را 'نه فقط یک یا دو نفر بلکه افراد بی‌شماری می‌توانند بشناسند و طبع کنند'،<sup>۱۷</sup> من فکر می‌کنم که این بیان هم‌چنین بدان معنا است که خدمت به تعداد زیادی از مردم امکان می‌دهد که با هم پیش بروند و رشد کنند."

کارولین می‌گوید، "این نکات برای من تازگی دارند، اما اتحادی که بین ما وجود دارد برایمان کمک بزرگی است. نه فقط ما با یکدیگر نمی‌جنگیم بلکه امور را به یک نحو می‌بینیم. ما در خواسته‌های خود متحدیم؛ در یک جهت حرکت می‌کنیم. من مردم زیادی را ملاقات کرده‌ام، مردمانی خوب و باهوش با افکاری عالی و نیتی خالص، اما آنها نمی‌توانند با هم پیشرفت کنند؛ هیچ اتحاد بینشی ندارند."

\*\*\*

راین می‌گوید، "من فکر می‌کنم بخشی از وحدت و اتحاد، قبول این نکته است که ما همه با یک سرعت پیش نمی‌رویم،" و بعد با لبخندی بر لب می‌پرسد، "سان‌جیو، بیت العدل اعظم این نکته را چگونه بیان فرموده‌اند؟"

سان‌جیو با لحنی واضح و مصمم می‌گوید که "این مسیر، 'سرعت‌های مختلف و گام‌های متفاوت را پذیراست'،<sup>۱۸</sup>"

راین ادامه می‌دهد، "سرعت‌های مختلف و گام‌های متفاوت. کار آسانی است که با سرعت زیاد به دوی چون می‌توانی، اما توقف کردن و به پشت سر نگاه کردن و شاید برگشتن برای کمک به دوستت نیاز به عشق خالصانه و صبر و تحمل دارد. در غیر این صورت چگونه می‌توانیم با هم پیشرفت کنیم؟"

کارولین می‌گوید، "اما راین، ما باید توجه داشته باشیم که طی کردن این مسیر تنها مربوط به چند دوست صمیمی که با هم خدمت می‌کنند نیست، بلکه مستلزم تشویق و دعوت از کسانی نیز می‌باشد که هنوز در این مسیر نیستند تا به ما بپیوندند، اگر سان‌جیو مرا دعوت نکرده بود، حالا من اینجا نبودم. جوانان زیادی در دنیا هستند که واقعاً می‌خواهند به اجتماع کمک کنند، ولی نمی‌دانند چگونه. ما باید یاد بگیریم که با افراد دیگری نیز که مایلند به بهبود اجتماع کمک کنند دوستی واقعی و پایدار برقرار کنیم."

\*\*\*

سان‌جیو می‌گوید، "آنچه را که کارولین گفت من واقعاً می‌پسندم. مهم است که تلاش‌های ما خالصانه باشد و سخت کار کنیم. اما اگر بتوانیم به دیگران که آنها نیز مایلند به مسیر خدمت وارد شوند کمک کنیم، برایمان مشکل خواهد بود که به تغییراتی پایدار نائل گردیم، اما در این صورت باید در باره صفات و طرز فکر خود، هم به عنوان فرد و هم به عنوان گروه، واقعاً بیاندیشیم."

سامپا می‌گوید، "درست است، چه بسیار کوشش‌هایی که به خاطر خودخواهی مردمی که به آن اشتغال دارند به هدف نمی‌رسد. گاهی این به هدف نرسیدن منتهی به توجه زیاد به قصور دیگران می‌گردد، و به جای تشویق دوستانی که دارند تلاش می‌کنند، شخص شروع به انتقاد از آنان می‌کند."

کارولین می‌گوید، "انتقاد به هیچ کس نفعی نمی‌رساند، بلکه مانع رشد می‌شود. اما انتقاد امروزه در اجتماع خیلی معمول است. بعضی وقت‌ها به نظر می‌رسد که همه دارند از یکدیگر انتقاد می‌کنند." سان‌جیو می‌گوید، "و گاهی اوقات، مشکل، انتقاد از دیگران نیست. شخص ممکن است آنقدر به قصور خود توجه کند که از جنبش و حرکت باز ماند."

سامپا می‌گوید، "هیچ کس نباید هرگز احساس درماندگی کند. مدد الهی به ما اطمینان داده شده و ما باید به آن ایمان داشته باشیم و ما دوستانی هم در اطراف خود داریم. دوستی فقط عبارت از خنده و بازی و تفریح با یکدیگر نیست بلکه آنست که از پیشرفت یک دوست، صمیمانه خوشحال شویم و به رشد و پیشرفت یکدیگر واقعاً کمک کنیم."

راین اضافه می‌کند، "من فکر می‌کنم وقتی مردم با هم دوست واقعی باشند و مرتباً یکدیگر را تشویق کنند، حتی آنچه در ابتدا غیر ممکن به نظر می‌رسد قابل حصول می‌شود. و آن وقت است که خدمت شادی مطلق می‌شود و دایره دوستان گسترش می‌یابد."

\*\*\*

این چهار دوست جوان در باره این مطالب می‌اندیشند و لحظه‌ای سکوت برقرار می‌شود. در حالی که یک حس قوی رفافت روحانی سراسر وجودشان را فرا گرفته است به یکدیگر می‌نگرند و لبخند می‌زنند. به نظر می‌رسد که همه آنها می‌خواهند چیزی بگویند، اما تردید دارند. ظاهراً سان‌جیو کسی است که بیشتر از همه مشتاق سخن گفتن است.

کارولین با گفتن، "حرفت را بزنی سان‌جیو، حرفت را بزنی" او را تشویق به صحبت می‌کند و همه می‌زنند زیر خنده.

"داشتم فکر می‌کردم که ما نیاز داریم که در باره این عقاید واقعاً عمیق‌تر یاد بگیریم. بیاید در باره خودمان به عنوان یک مثال صحبت کنیم. همه ما مشوق هستیم، درست؟ حال فکر کنید که برای حمایت صحیح از یک گروه نوجوان مشتاق و بسیار علاقه‌مند و پرانرژی برای مدت سه سال و گاهی هم طولانی‌تر چه چیزهایی لازم است. بعد در باره ایجاد و ادامه یک دوستی واقعاً صمیمانه با سایر مشوقین نوجوانان و کمک مداوم به یکدیگر فکر کنیم. آیا خواهیم توانست این کارها را به خوبی انجام دهیم اگر آماده یادگیری نباشیم؟"

سخنان سان‌جیو مجدداً گروه را به سکوت و تفکر وامی‌دارد. بعد از لحظه‌ای، سامپا می‌گوید، "فکر می‌کنم باید از آنجایی که کارولین قبلاً اشاره کرد شروع کنیم، یعنی ایمان مطلق داشته باشیم که اگر نیت‌مان خالص باشد، خداوند به ما کمک خواهد کرد."

راین اضافه می‌کند، "هم‌چنین ما باید متواضع باشیم و قبول کنیم که همه چیز را نمی‌دانیم، فکر می‌کنم ما داریم یاد می‌گیریم که چگونه یاد بگیریم. اینکه ما اغلب باهم مطالعه می‌کنیم، در حمایت از گروه‌ها یکدیگر را یاری می‌دهیم و برای تأمل و مشورت به طور مرتب ملاقات می‌کنیم واقعاً خیلی به ما کمک می‌کند."

کارولین می‌گوید، "فکر می‌کنم ما هم‌چنین یاد می‌گیریم که به یکدیگر گوش دهیم. یکی از دوستان من می‌گفت 'می‌دانم که صدای مرا شنیدی، ولی آیا واقعاً به حرف‌های من گوش دادی؟' گاهی مردم بیشتر بیان فصیح و شیوا را ارج می‌نهند ولی به گوش دادن با دقت و بدون تعصب چندان اهمیتی نمی‌دهند. مردم وقتی که واقعاً به حرف یکدیگر گوش بدهند، بهتر می‌توانند از یکدیگر حمایت کنند."

سان‌جیو می‌گوید، "گوش دادن به چگونگی مشورت کردن ما نیز مربوط می‌شود. حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند: 'انسان باید مشورت نماید تا به آنچه موافق است اطلاع یابد'،<sup>۱۹</sup> و اینکه 'باید اعضای مشورت

در نهایت محبت و الفت و صداقت با یکدیگر باشند.<sup>۲۰</sup> فکر می‌کنم جزئی از یادگیری، خالصانه به دنبال حقیقت بودن است نه اصرار در رأی.<sup>۲۱</sup>

کارولین می‌گوید، "البته داشتن نظر شخصی اشکالی ندارد، اما این نظر باید به نحوی بیان گردد که اظهار نظر دیگران را دعوت کند نه اینکه مانع آن گردد. باید بگوییم که وقتی ما در جلسات تأمل و بازنگری شرکت می‌نماییم و صحبت می‌کنیم من احساس می‌کنم که به همه افکار ما ارجح نهاده می‌شود و شما دوستان واقعاً می‌خواهید بدانید که دیگران چه فکر می‌کنند و چه احساسی دارند. من دارم یاد می‌گیرم که چنین باشم و این بسیار عالی است."

\*\*\*

این چهار دوست به بحث خود در باره اینکه چگونه می‌توانند یکدیگر را به نحو مؤثر حمایت نمایند ادامه می‌دهند. آنها در باره این می‌اندیشند که چطور می‌توان به تعامل بین دوستان تعالی بخشید. راین متفکرانه می‌گوید، "امروزه جهان با این همه فناوری جدید بسیار پیشرفته و پیچیده شده است. بعضی از ما تعداد بیشتری دوست در اینترنت داریم تا در زندگی واقعی. تعامل از راه اینترنت ممکن است از یک سری ارزش‌های دیگر و متفاوت انگیزه بگیرد و منجر به این شود که ما یک زندگی پر از تناقضات داشته باشیم. گمان می‌کنم اگر ما همیشه از این واقعیت آگاه باشیم که الطاف و عنایات حضرت بهاء‌الله همواره ما را احاطه کرده است، خواهیم کوشید که به هر تعاملی تعالی بخشیم."

سامپا می‌گوید، "چند روز پیش راجع به این بحث می‌کردیم که چگونه گاهی مردم ترجیح می‌دهند برای یک نفر در آن سوی جهان پیامکی تلفنی بفرستند تا اینکه با شخصی که در کنار آنها نشسته است صحبت کنند. هیچ چیز نمی‌تواند جای دوستی واقعی را بگیرد، دوستی‌ای که بر اساس آرزو و تعهد مشترک نسبت به بهبود جامعه بنا شده باشد. این یکی از مهم‌ترین نکاتی است که من از این بحث برداشت می‌کنم."

\*\*\*

بعد از مختصر بحثی در باره مطالب هر قسمت از این مکالمات به گروه‌های کوچک تقسیم شوید و سؤالات زیر را مورد بررسی قرار دهید:

الف. از جمله عوامل ایجاد جوّی از حمایت متقابل، داشتن چشم‌اندازی است که در آن تعداد زیادی جوان به عنوان دوستان صمیمی برای تقلیب جامعه خود با هم کار می‌کنند. برای تحقیق بخشیدن به چنین بینشی در محدوده جغرافیایی یا جامعه خود شما چگونه عمل

می‌کنید؟ گفتگو در بین جوانان چقدر اهمیت خواهد داشت و هدف و محتوای آن چه خواهد بود؟

ب. حمایت متقابل تنها منحصر به کمک به یکدیگر در انجام خدمات نیست بلکه به پیشرفت در سایر جنبه‌های زندگی نیز مربوط می‌گردد. چه جنبه‌های دیگری از زندگی نیازمند حمایت متقابل است؟ مثلاً تطبیق رفتار شخصی با احکام و اصول دینانت بهائی، تعلیم و تربیت، کار، و ازدواج را در نظر بگیرید.

ج. جوانان وقت زیادی را با هم می‌گذرانند و لزوماً قسمتی از این وقت صرف فعالیت‌های تفریحی و سرگرمی می‌شود. با این حال اجتناب از اتلاف وقت زیاد در امور سطحی و نیز اعتلا بخشیدن به تعاملات‌شان در فضاهای گوناگون، از جمله رسانه‌های الکترونیکی، برای پیشرفت‌شان مهم است. جوانان چگونه می‌توانند در این امور توفیق حاصل کنند؟

د. مکالمات فوق بر اهمیت ایجاد پیوندهای قوی دوستی در بین مردمی که با هم خدمت می‌کنند تأکید می‌کند. شما ماهیت واقعی دوستی را چه می‌دانید؟ چگونه می‌فهمید که چه دوستی‌هایی برای پیشرفت جوانان مفید است و کدام مضر؟

## جوانان و جامعه‌سازی

متن زیر را درگروه بزرگ بخوانید.

در جلسه گذشته اهمیت این مسئله بررسی شد که جوانان با حمایت و درمعیّت یکدیگر در راه خدمت به جامعه پیش روند. در این بررسی روشن شد که ساختن یک اجتماع جدید تا حدّ زیادی متکی بر تلاش‌های خالصانه تعداد فزاینده‌ای از مردمانی است که قادرند "ابتکارات فردی و تمهیدات جمعی خود را به صورت الگوی مؤثری از اقدامات منسجم"<sup>۲۲</sup> در آورند. با توجه به این نکات، حال از شما تقاضا می‌شود تا در باره این مسئله تفکر کنید که نسل شما چه کمکی می‌تواند به ساختن جوامعی پویا در محله‌ها و دهکده‌ها و در سایر محیط‌ها بنماید، محیط‌هایی که در آن مردمانی یافت می‌شوند که مشتاقند در فرایند تقلیب و تحوّل جمعی نقشی ایفا نمایند.

برای بررسی این سؤال، ضروری است که بعضی از عناصر چارچوب عمل جامعه جهانی بهائی را به طور اختصار مرور نمایید. اکثر اقدامات جوامع بهائی برای ساختن یک اجتماع جدید ملهم از تعالیم حضرت بهاءالله در بستریک محدوده جغرافیایی، یعنی یک ناحیه جغرافیایی شامل چند دهکده و شاید یک شهر کوچک، و یا یک شهر بزرگ و حومه‌هایش، صورت می‌گیرد. هدف اصلی در هر محدوده جغرافیایی، تقویت و استحکام سه اجراکننده اصلی فرایندهای تغییر، یعنی فرد، جامعه و مؤسّسات، از طریق به‌کارگیری تعالیم بهائی است. این کار شامل موارد زیر است: پرورش تعداد فزاینده‌ای از مردم از طریق فرایند مؤسسه آموزشی که قادر به ترویج پیشرفت روحانی و اجتماعی باشند؛ ساختن جوامع محلی شکوفا و پویایی که در آنها "افراد، خانواده‌ها و مؤسّسات ... با هدفی مشترک برای رفاه مردم داخل و یا خارج از محدوده خود، با هم به کار می‌پردازند"<sup>۲۳</sup> (ترجمه)؛ و ایجاد مؤسّساتی با توانمندی تشویق، هدایت و متحد نمودن قوای بسیاری از احباب مشتاق به خدمت. بسته به تعداد و کارایی افرادی که در جهت تغییر فعالیت می‌کنند و استحکام و پیشرفت جوامع و مؤسّسات محلی، محدوده‌های جغرافیایی الزاماً در مراحل مختلفی از رشد قرار دارند. در بعضی از این محدوده‌ها مساعی بهائیان برای بنای اجتماعی جدید هنوز شروع نشده است.

در هر یک از محدوده‌های جغرافیایی دوستان با شرایط مختلفی روبه‌رو هستند. بسیاری از آنان در دهکده‌های عمدتاً همگن مناطق روستایی و یا در محله‌های معمولاً متنوع شهرهای بزرگ زندگی می‌کنند. در بعضی از این نقاط یک روح قوی وابستگی به جامعه حکم‌فرماست در حالی که در بعضی دیگر این

روح به طور آشکار وجود ندارد. دوستان در یک محدوده جغرافیایی ممکن است بر اساس علایق مشترکی مانند تحصیل در یک دانشگاه خاص یا عضویت در یک سازمان حرفه‌ای یا اجتماعی که به یک محل منحصر نمی‌شود، با افراد دیگری نیز ارتباط داشته باشند. برای ساختن یک اجتماع جدید، دوستان می‌کوشند تا در این محیط‌ها و فضاها قابلیت به کارگیری تعالیم حضرت بهاء‌الله را ایجاد نمایند. هیچ اجتماعی بدون خدمات خالصانه اعضایش نمی‌تواند از پیشرفت روحانی و اجتماعی امکان‌پذیر در این مرحله از زندگی بشری برخوردار گردد.

در تأمل بر مساعی نسل جوان برای حرکت در مسیر خدمت، حائز اهمیت است که بیاندیشیم آنان چگونه می‌توانند به "پرورش یک حیات پویا و هدف‌مند در محله یا دهکده" کمک کنند. شرح زیر و سؤالاتی که به دنبال آن می‌آید به شما یاری خواهد داد تا در باره سهم خود در ساختن جوامعی که به نحوی فزاینده نمایان‌گر بینش حضرت بهاء‌الله برای عالم انسانی باشد مشورت نمایید.

\*\*\*

در منطقه شرقی مانجالو در محدوده جغرافیایی هری، دهکده بزرگی بنام جمبو قرار دارد که در دامنه کوه میوز واقع شده و ۳۰۰۰ نفر جمعیت دارد. جمبو دهکده‌ای است زیبا با خیابان‌های پر پیچ و خم مشجر با درختان پرشکوه جاکراندا که وقتی که با گل‌های ارغوانی پوشیده شده‌اند با مزارع سبز و خرّم اطراف دست به دست هم داده و به این دهکده احساسی پویا و شکوفا از زندگی می‌بخشند. ساکنان متنوع این دهکده — که یک پنجم آنها زیر سن ۱۱ سال و یک دهم آنها نوجوان هستند — به قبایل گوناگونی وابسته‌اند که سال‌های متمادی با هم زندگی کرده‌اند. چون بیش از نصف آنان سن‌شان زیر ۳۰ سال است از بسیاری جهات مردمی پرانرژی و سرزنده هستند.

در بالاترین قسمت دامنه کوه، کلیسای قدیمی بزرگی با دیوارهای سفید بر دهکده جمبو مشرف است و در پایین کوه مدرسه ابتدایی و دبیرستان دهکده واقع شده است. همه چیزهای دیگر در فاصله بین این دو قرار گرفته‌اند: یک اداره پست منظم و کوچک؛ خانه‌های محصور ساکنان ثروتمند، یک درمان‌گاه بزرگ با بام قرمز؛ یک مرکز ورزشی پر رفت و آمد؛ بازاری نسبتاً بزرگ با مغازه‌های پراز جنس؛ و در نزدیک‌ترین نقطه به مدرسه‌ها، مجموعه‌ای از ساختمان‌های نامنظم و پراکنده که اکثر ساکنان جمبو در آنها زندگی می‌کنند. اهالی جمبو مردمانی سخت‌کوش هستند. هر خانواده دارای یک قطعه زمین است که در آن سبزیجات برگی غنی از آهن و سبزیجات ریشه‌ای لذیذ کشت می‌شود. درآمد مردانی که در معدن مس واقع در ده کیلومتری شمال دهکده کار می‌کنند و بازدیدهای مردمی از دره گرم و مرطوب پایین جمبو به اقتصاد کوچک این دهکده رونق می‌بخشد. رستوران‌هایی جدید و هم‌چنین چند آبجو فروشی در کنار جاده

پرپیچ و خم اصلی باز شده است که با صدای بلند موزیک خود در حال تغییر دادن محیط آرام جمبو هستند.

جمبو از بسیاری جهات با دهکده‌های نزدیکش فرق دارد اما تفاوتش بیشتر به خاطر آن است که یک سوّم ساکنان آن با هم رفاه جامعه کار می‌کنند. می‌توان گفت آنها مصمم‌اند یاد بگیرند چگونه تعالیم حضرت بهاء‌الله را برای ساختن یک اجتماع بهتر به کار برند. مکالمات اکثراً پر شوق و شور آنها یک چیز را نشان می‌دهد: مطالعه کلام الهی از طریق دوره‌های مؤسسه آموزشی به آنان عطش درک کردن و آرزوی خدمت کردن بخشیده است. خانه‌هایشان را برای جلسات دعا باز کرده‌اند؛ کودکان با کمک جوانان زیر بیست سال به طور هفتگی در زیر درختان، در منازل و در کلاس‌های درس برای تعلیم و تربیت روحانی جمع می‌شوند؛ نوجوانان و مشوقین جوانان‌شان منبعی از فعالیت‌های بی‌وقفه هستند: گاهی مطالعه گروهی کتاب‌های درسی، زمانی جمع کردن زباله در اطراف، عیادت بیماران، درخت‌کاری، و انجام هر خدمتی که از دست‌شان برآید. لبخند شاد والدین‌شان بسی گویاست — امید به توانایی فرزندان‌شان برای مقابله با جهانی که به سرعت در حال تغییر است جایگزین یأس آنها شده است، چه که هر روز شهادت اخلاقی فزاینده‌ای در اقوال و افعال نوجوانان‌شان به چشم می‌خورد. و وقتی کسانی که در فعالیت‌ها دست اندر کارند — کودکان و نوجوانان، جوانان و بزرگسالان، زنان و مردان — دور هم جمع می‌شوند، شادی و سرور فراوانی برپاست. مشورت جدی نیز صورت می‌گیرد زیرا آنان می‌کوشند تا کارایی فعالیت‌هایشان را افزایش دهند.

تشویق هم‌دیگر به طور دائم در جمبو در جریان است. هماهنگ‌کنندگان مؤسسه آموزشی و اعضای محفل روحانی محلی با سایر رهبران جامعه محلی برای حمایت از همه کسانی که برای انجام سهم خود قیام کرده‌اند، با یکدیگر هم‌کاری می‌کنند. آنها قطع نظر از سن و جنسیت، درباره اینکه چگونه کسانی را پرورش دهند که پیشرفت جمبو را ترویج نمایند و چگونه دیگران را که هنوز در حاشیه هستند به اقدامات جمعی ترغیب نمایند مشورت می‌کنند.

تغییر و تحوّل در جمبو حدود پنج سال پیش آغاز شد. به دنبال مشورت با یکی از اعضای هیئت معاونت که به جمبو آمده بود، بهائیان معدود آن دهکده تشخیص دادند که آنها به تنهایی قادر نخواهند بود به آرمان‌های حضرت بهاء‌الله برای جامعه خود تحقق بخشند. پیش خودشان فکر کردند که "ما نیاز داریم افراد دیگری را در جمبو پیدا کنیم که حاضرند برای ایجاد تغییر با هم کار کنند." ضمن مکالماتی با همسایگان‌شان درباره امکاناتی که تعالیم حضرت بهاء‌الله فراهم می‌سازد، متوجه شدند که بسیاری از آنها برای وضع عمومی جمبو نگران هستند و مشتاقند که کمک کنند. از طریق حلقه‌های مطالعه، چند نفر شروع به تعلیم و تربیت کودکان و تشکیل جلسات دعا نمودند. اما به زودی موانع و مشکلات زیادی بروز نمود —



اتحاد سست و شکننده بود و غالباً مشاجره پیش می‌آمد؛ ذوق و شوق از میان رفت چون مردم باید بدون تشویق کار می‌کردند؛ و وقتی که معدن مس باز شد، افرادی که بیش از همه به آنان اتکا می‌شد چنان به کارشان مشغول شدند که نمی‌توانستند تعهد خود را برای فعالیت‌های جامعه حفظ کنند. با این حال گروه کوچکی از احبّ که در این چالش‌ها امکان ایجاد دوستی واقعی و پایدار را می‌دیدند در کنار یکدیگر باقی ماندند.

سه سال پیش واقعه مهمی در جمبورخ داد. چند نفر از احبّ که در یک دوره مؤسسه آموزشی در باره خدمت به عنوان مشوقین گروه‌های نوجوانان شرکت کرده بودند با شور و هیجان فراوانی به دهکده بازگشتند. آنها به ملاقات تعدادی از خانواده‌ها رفتند، تعالیم دیانت بهائی در باره سنین اولیّه بلوغ را برای آنها شرح دادند، در باره توانمندی‌های مورد نیاز جوانان برای مقاومت در برابر نیروهای مخرب اجتماعی تفحص نمودند، و بررسی کردند که چگونه همراه با والدین می‌توانند یک جوّ توان‌بخش روحانی برای جوانان در جمبو به وجود آورند. به زودی آنها با ۲۰ نوجوان مشتاق در دو گروه مشغول کار بودند. سپس این بحث را با جوانان مسن‌تر جامعه در میان گذاشتند. به آنها گفتند، "نوجوانان چشم‌شان به شماسه و از شما سرمشق می‌گیرند و چون شما حالت سنی آنها را درک می‌کنید، بهتر از همه می‌توانید به آنها کمک کنید." هم‌چنین در باره اینکه چگونه خدمت به عنوان مشوق به پیشرفت خود فرد کمک می‌کند بحث کردند. توضیح دادند که "شما با کمک کردن به نوجوانان، موجب پیشرفت توانایی‌های روحانی و عقلانی خود نیز خواهید شد و ما با کمک یکدیگر به ساختن یک جامعه بهتر کمک خواهیم کرد."

ابتدا فقط چند جوان شرکت کردند، اما احبّ در مرادّه خود با جوانان پشت‌کار به خرج دادند. با ادامه مکالمات، تعداد فزاینده‌ای استقبال نمودند. به مرور زمان بسیاری از آنان به عنوان مشوق جوانان تعلیم داده شدند. همین که کارایی این برنامه آشکار شد، رهبران جامعه، حتی کسانی که در ابتدا مردّد بودند، قانع شدند که توجه خاصّ به نوجوانان برای آینده و رفاه جمبو بی‌نهایت مهم است. بسیاری از آنها منازل خود را برای ملاقات گروه‌ها گشودند و منابع و استعداد‌های خود را در اختیارشان گذاشتند. تمهیدات خاصی برای محصلین علاقمند دبیرستان فراهم آمد تا گروه‌هایی از دوستان نوجوان خود تشکیل دهند.

و به این ترتیب جامعه دست به دست هم داد. به مرور زمان، همین که نوجوانان برنامه را تکمیل کردند، بسیاری از آنان تصمیم گرفتند دوره‌های مؤسسه را مطالعه کنند؛ بعضی از آنها با اقدام به تعلیم و تربیت کودکان به حیات جامعه کمک کردند و دیگران با قیام به خدمت به عنوان مشوق، به توسعه بیشتر برنامه نوجوانان پرداختند. تعداد فزاینده‌ای از مردم به کارایی دوره‌های مؤسسه آموزشی در راه ایجاد تعهد برای اقدامات درازمدت اطمینان یافتند و به مطالعه دوره‌ها پیوستند. عبادت همگانی افزایش یافت و حسّ هدف‌مندی شدیدی بروز نمود. اکنون در جمبو بحث‌ها تنها در باره جمبو نیست بلکه هم‌چنین در باره

آنست که چگونه ساکنان این دهکده می‌توانند به سایر دهکده‌های محدوده جغرافیایی هری کمک کنند تا در مسیر پیشرفت گام بردارند.

\*\*\*

داستان فوق نمایان‌گر چند اصل مهم است که جوانان خواهان کمک به ساختن جوامعی مستفیض از تعالیم حضرت بهاء‌الله، باید آنها را به خاطر داشته باشند. همان طور که قبلاً اشاره رفت فرصت‌ها و امکاناتی که برای جامعه‌سازی در دسترس جوانان قرار دارد متفاوت است. برای اکثر آنان این امکان وجود دارد که در بستریک محله یا دهکده فعالیت نمایند؛ بعضی دیگر ممکن است با دانشجویان یا اساتید دانشگاه خود نیز کار کنند. آن عده که در محل سکونت‌شان از اقدامات جمعی چندان استقبال نمی‌شود ممکن است بتوانند در منطقه جغرافیایی بسیار بزرگ‌تری با مردمی که با آنها علایق مشترکی دارند مشغول گردند. به هر حال موقعیت هرچه باشد سؤالات زیر به شما کمک خواهد کرد تا در باره گام‌های مؤثری تأمل و تفکر نمایید که جوانان می‌توانند برای پیشبرد سعادت و رفاه مادی و معنوی جامعه محل زندگی خود بردارند.

بعد از بحث مختصری در باره مطالب هر پاراگراف، به گروه‌های کوچک تقسیم شوید و به بررسی

سؤالات زیر بپردازید:

الف. داستان فوق با توصیف جمبو به عنوان یک فضای فیزیکی و اجتماعی آغاز شد. بسیار مهم است که جوانان شرایط جوامعی را که در آنها زندگی می‌کنند، سکنه معمولی آنها، سازمان فضای فیزیکی آنها، و مؤسسات و فرایندهای عامل در آنها را درک نمایند. با در نظر گرفتن این نکات، محلی را که در آن زندگی می‌کنید توصیف نمایید، شاید ترسیم نقشه‌ای از آن نیز مفید باشد.

ب. همان طور که در این داستان نشان داده شد، یک فرایند جامعه‌سازی ملهم از پیام حضرت بهاء‌الله باید در کنه خود بحثی توصیفی در باره تعالیم دیانت بهائی و مقتضیات و پیامدهای آن برای زندگی مردم داشته باشد. با ازدیاد تعداد کسانی که با مطالعه دوره‌های مؤسسه آموزشی برای ارائه فعالیت‌های اصلی — جلسات دعا، کلاس‌های کودکان، گروه‌های نوجوانان، و حلقه‌های مطالعه — قیام می‌کنند، این بحث پیش می‌رود. شما برای تشویق تعداد زیادی از جوانان به شرکت در این بحث و در فرایند ضروری مطالعه و خدمات وابسته به آن چه می‌توانید انجام دهید؟

- ج. همان‌طور که در یکی از جلسات قبلی بحث کردید، توان‌دهی روحانی به نوجوانان یک فرایند مهم و ضروری جامعه است زیرا جوانانی را با قوای روحانی و عقلانی برای پیشبرد اجتماع پرورش می‌دهد. بنا بر این شما ممکن است مایل باشید که توسعه این فرایند را در جامعه خود مورد بررسی قرار دهید و تصمیم بگیرید که چگونه می‌توانید به تعداد فزاینده‌ای از جوانان کمک کنید تا برای حمایت از نوجوانان قیام کنند.
- د. جامعه‌سازی مستلزم یادگیری مداوم است. این یادگیری با گفتگوی جاری در بین سکنه دهکده یا محله محدود جغرافیایی، غنی می‌گردد و از طریق آن ساکنان بینش خود را روشن می‌سازند، قابلیت رشدشان را ارزیابی می‌کنند، موانعی را که باید برطرف شود شناسایی می‌نمایند، در باره گام‌های بعدی تصمیم می‌گیرند، و پیوندهای محبت و دوستی‌شان را تقویت می‌کنند. جوانان چه کمک‌هایی به تقویت فرایندهای مشورت در جامعه شما، ارائه می‌دهند یا می‌توانند ارائه دهند؟
- ه. جامعه نمودار واحدی از تمدن است. اعضا و نهادهای آن "با هدفی مشترک برای رفاه مردم داخل و یا خارج از محدوده خود، با هم به کار می‌پردازند." ۲۵ بنا بر این مهم است ببینیم چگونه جوانان یک جامعه یا یک محدوده جغرافیایی در حال پیشرفت می‌توانند از طریق کمک به جامعه دیگری در محدوده جغرافیایی خود، یا در واقع به محدوده جغرافیایی دیگری، برای آغاز نمودن حرکت در یک مسیر پیشرفت پایدار، نفوذ تمدن‌ساز تعالیم حضرت بهاءالله را گسترش دهند.

## ۵

## کمک به پیشرفت تمدن

متن زیر را در گروه بزرگ بخوانید.

هدف مطالعه مطالبی که تاکنون مورد بحث قرار داده‌اید این بود که به شما کمک کند تا در باره بعضی از جنبه‌های زندگی نسلی از جوانان آگاه از بینش حضرت بهاءالله از اجتماعی جدید بیندیشید. قبل از مطالعه این مطلب نهایی شاید برای‌تان مفید باشد که با دیگران در میان گذارید که چگونه درک شما پیشرفت کرده است.

مجهودات جامعه‌سازی بهائیان و دوستان‌شان صرفاً پروژه‌های اجتماعی مفیدی نیست که توسط افرادی فداکار به اجرا گذاشته شده است بلکه سعی و کوششی است بر اساس این عقیده که بشریت زمان بسیار مخصوصی از تاریخ خود را می‌گذراند. نوع انسان در طی تکامل خود از مراحل مشابه کودکی و نوجوانی گذشته و اکنون به آستانه دوران بلوغ خود پا نهاده است. دو فرایند انفکاک‌ناپذیر، یکی تجزیه و تخریب و دیگری ترکیب و سازندگی، این تکامل را به پیش می‌برند. فرایند تجزیه و تخریب در بروز خشونت، جنگ، و فساد نمودار می‌باشد و با فرو ریختن نظمی کهنه و ناتوان همراه است، نظمی که اکنون قادر به برآوردن نیازهای یک جهان رو به بلوغ نیست. این فرایند سبب سردرگمی و رنج فراوان می‌گردد ولی به از بین بردن موانع برقراری وحدت در بین مردم نیز کمک می‌کند. فرایند ترکیب و سازندگی به قوای روحانی منبعث از ظهور حضرت بهاءالله مربوط می‌گردد. این قوا از یک طرف بر تعداد فزاینده‌ای از مردم در همه جا اثر می‌گذارد تا برای اتحاد و پیشرفت کار کنند و از طرف دیگر، از طریق تلاش‌های آگاهانه بهائیان و دوستان‌شان به تدریج اجتماع را از نو شکل می‌دهد.

مقصد این دو فرایند تجزیه و تخریب و ترکیب و سازندگی ایجاد یک تمدن جهانی است که نظیر آن را تا کنون هیچ کس ندیده است. هدف نهایی آنها ایجاد دنیایی متحد و صلح‌آمیز و اجتماعی جهانی است که هم از نظر مادی و هم از لحاظ معنوی پیشرفته باشد. حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند:

مدنیت جسمانی به منزله زجاج است و مدنیت روحانی به منزله سراج اگر این مدنیت جسمانی با آن مدنیت روحانی توأم شود آن وقت کامل است.<sup>۲۶</sup>

نیل به هدف ساختن تمدن جدید مستلزم تغییر کامل در نحوه‌ای که اجتماع سازمان داده شده و نیز در اخلاق و رفتار افراد است. در این ارتباط، هدف تعالیم حضرت بهاءالله "ظهور تغییر و تبدیل است در ارکان عالم سرّاً و جهراً ظاهراً و باطناً"<sup>۲۷</sup>

بنا بر این لازمه تمدن‌سازی پذیرش این نکته است که همه مردم جهان، از هر جامعه‌ای که باشند، یکی هستند. شناسایی و قبول این حقیقت حیاتی پیامدهای زیادی در حیات یک جامعه و در حیات گسترده اجتماع دارد. در این عصر، همه مردم جهان به نحو یکسان از فیض و رحمت الهی نصیب برده‌اند و، با همه تنوع‌شان، دارای حقّ و وظیفه‌ای برابر برای کمک به ایجاد دنیایی نو می‌باشند. زمانی که روابط بین اعضای جامعه، و بین آنان و مؤسسات به محبت و عدالت مخصّص باشد، همه از این فرصت برخوردار خواهند بود که استعدادهای خداداده خود را در راه پیشبرد خیر و سعادت اجتماع به کار برند. وقتی که دانش روحانی و علمی در دسترس همگان باشد، اعضای یک جامعه می‌توانند با کمک هم یاد بگیرند که این دانش را در حیات جمعی خود به کار برند. این مفهوم به مجهودات جامعه‌سازی بهائیان مربوط می‌گردد، مجهوداتی که در بیانیه قبلی مورد بحث قرار گرفت و در بسیاری از محدوده‌های جغرافیایی، محله‌ها و دهکده‌ها در سراسر کره زمین در حال شدت گرفتن است. تغییراتی که این مساعی در فرهنگ ایجاد می‌کند نشان‌دهنده آنست که چگونه از درون تلاش‌های تعداد فزاینده‌ای از مردم برای به کار بردن تعالیم جدید الهی در حیات تعداد روزافزونی از جوامع، یک اجتماع جدید هویدا می‌گردد.

این پیامدها برای زندگی افرادی که نهایت آرزویشان کمک به پیشبرد تمدن است نیز حائز اهمیت می‌باشد. هر فرد سعی می‌کند تا خصایل، صفات، و توانایی‌های یک کمک‌کننده مؤثر به پیشرفت را کسب نماید، و به جنبه‌های مختلف زندگی خود—تحصیل، کار، ازدواج، زندگی خانوادگی—حسی قوی از مأموریت می‌بخشد. یک چنین فردی نهایت کوشش را به کار می‌برد تا با موازین عالی امر مبارک هماهنگی داشته باشد. یاد گرفتن اجتناب از هر نوع تعصّب، پای‌بندی به موازین عالی عفت و عصمت، و نشان دادن راستی و صداقت در تمام تعاملات با دیگران، فرد را قادر می‌سازد که در مجهود تغییر اجتماع نقشی فعال به عهده بگیرد. "در مساعی خود برای نیل به رشد فردی و برای رعایت تعالیم بهائی"<sup>۲۸</sup> (ترجمه) در جامعه‌ای هدف‌مند مستغرق می‌شود، جامعه‌ای که در آن اتحاد حقیقی، دوستان را در سنین مختلف ملزم می‌سازد که یکدیگر را در نیل به سطوح بالاتری از کمالات روحانی، اخلاقی و عقلانی یاری دهند.

بنا بر این با این چشم‌انداز، شخصی که از امکانات بالقوه پیام حضرت بهاءالله برای نوسازی جهان آگاه است از انتقال الهامات آن پیام به مردم دنیا و قادر ساختن آنان به قیام برای ایفای وظایف خود در مقام سازندگان آگاه یک تمدن جدید، بدون شک شادی و سروری بی‌اندازه می‌یابد.

\*\*\*

بعد از بحث مختصری درباره مطالب هر پاراگراف، به گروه‌های کوچک تقسیم شوید و سؤالات زیر را بررسی نمایید:

عرصه‌های بسیاری از مساعی وجود دارد که از طریق آنها مردم یاد می‌گیرند تا تعالیم حضرت بهاءالله را به منظور کمک به ساختن تمدنی جدید به کار گیرند. سؤالات زیر به شما کمک خواهد کرد تا درباره روابط بین تمدن‌سازی و کار و تحصیل، ازدواج و خانواده، و جامعه محلی تأمل و تفکر نمایید.

هر گروه می‌تواند یکی از سؤالات زیر را بررسی کند.

- الف. تحصیل، کسب دانش و کار عوامل اساسی در کمک شخص به تمدن‌سازی است. چگونه جوانان در تحت شرایط اجتماعی گوناگون می‌توانند به مؤثرترین تحصیلات موجود نائل گردند؟ چگونه کار یا حرفه شخص می‌تواند ابزاری برای کمک به تمدن‌سازی گردد؟ چه چیز باعث می‌شود که شغل یا حرفه مانعی در این راه گردد؟
- ب. چگونه جوانان می‌توانند خود را به نحوی شایسته برای ازدواج و برای تشکیل خانواده‌هایی آماده کنند که به طور مؤثر به ایجاد یک اجتماع نو کمک خواهند کرد؟
- ج. ماهیت یک جامعه محلی که قادر است به اعضایش کمک کند تا صفات و توانایی‌های سازندگان حقیقی تمدن را کسب کنند چیست؟ چه تعاملاتی در بین ساکنان چنین جامعه‌ای، و بین آنها و مؤسسات‌شان کمک می‌کند که تعهد جوانان را به مسائلی مانند زندگی پاک و همراه با عفت و عصمت، افزایش دهد؟
- د. ساختن یک تمدن جدید مستلزم سال‌ها سخت‌کوشی خواهد بود. برای بنای شالوده‌ای قوی، مشارکت تعداد زیادی از جوانان ضروری است. جوانانی که این همه از کار ساختن جهانی نو بر عهده آنهاست چگونه می‌توانند به نحو مؤثر یکدیگر را حمایت کنند تا در همه زمینه‌های مختلف زندگی‌شان پیشرفت حاصل کنند؟

## مراجع:

- ۱- پیام مورخ ۸ فوریه ۲۰۱۳ بیت العدل اعظم به بهائیان عالم
- ۲- خطابات حضرت عبدالبهاء، جلد دوم، لانگنهاین، ۱۹۷۲، ص ۹
- ۳- حضرت عبدالبهاء، رساله مدنیّه، ص. ۳
- ۴- همانجا، ص. ۱۲۲
- ۵- مکاتیب حضرت عبدالبهاء، جلد ۷، ص. ۲۰۱
- ۶- خطابات حضرت عبدالبهاء، جلد ۲، ص. ۱۰
- ۷- منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء جلد اول، شماره ۱۲۰، ص ۱۳۸
- ۸- پیام مورخ ۸ فوریه ۲۰۱۳ بیت العدل اعظم
- ۹- پیام مورخ ۱۲ دسامبر ۲۰۱۱ بیت العدل اعظم به تمام محافل روحانی ملی
- ۱۰- نطق حضرت عبدالبهاء در نیویورک، ۱۷ نوامبر ۱۹۱۲، ترجمه از کتاب *The Promulgation of Universal Peace*
- ۱۱- همانجا
- ۱۲- بیان حضرت عبدالبهاء، ترجمه از کتاب *Abdu'l-Bahá on Divine Philosophy*، ص. ۱۳۲
- ۱۳- پیام رضوان ۲۰۱۰ بیت العدل اعظم به بهائیان عالم
- ۱۴- پیام رضوان ۲۰۰۰ بیت العدل اعظم به بهائیان عالم
- ۱۵- پیام رضوان ۲۰۱۰ بیت العدل اعظم
- ۱۶- همانجا
- ۱۷- پیام مورخ ۱۲ دسامبر ۲۰۱۱ بیت العدل اعظم
- ۱۸- همانجا
- ۱۹- امر و خلق، جلد ۳، ص. ۴۱۲
- ۲۰- همانجا
- ۲۱- مکاتیب حضرت عبدالبهاء، جلد ۳، ص. ۵۰۶
- ۲۲- پیام رضوان ۲۰۰۷ بیت العدل اعظم به بهائیان عالم
- ۲۳- پیام رضوان ۱۹۹۶ بیت العدل اعظم به بهائیان عالم
- ۲۴- پیام رضوان ۲۰۱۰ بیت العدل اعظم
- ۲۵- پیام رضوان ۱۹۹۶ بیت العدل اعظم
- ۲۶- خطابات حضرت عبدالبهاء جلد دوم، ص. ۱۷
- ۲۷- حضرت بهاءالله، کتاب ایقان، صص ۱۵۹ و ۱۶۰
- ۲۸- نامه مورخ ۱۹ آوریل ۲۰۱۳ از طرف بیت العدل اعظم به سه نفر از احبّاً